



یادداشت

هیچ تغییر و تحولی با وجود جنگ متصور نیست

صادق کار



محمد باقر قالیباف روز چهارشنبه ۳۰ دیهشت با انتشار یک فایل صوتی به دو موضوع مهم کشور جنگ و گرانی ها پرداخت و تلاش کرد به مردم وعده‌های دلگرم کننده بدهد. او در این فایل صوتی به وضعیت سخت معیشتی مردم و مواد غذایی اذعان نمود و سروته قضیه را با دادن قول تشکیل کمیته‌ای برای نظارت بر قیمت‌ها هم آورد.

مقامات دولتی که از نارضایتی عمیق مردم از وضعیت جهشی تورم و صعود قیمت ها آگاهی دارند مدتی است که تلاش می کنند مسئولیت گرانی ها را به محترکان و سوءاستفاده کنندگان از موقعیت جنگی نسبت دهند.

شکی نیست که محترکان نیز در گرانی ها نقش دارند، اما در مورد نقش آنها اولاً، غلو می شود، ثانیاً، وجود محترکان از نتایج سیاست‌های خود حکومت است. بنا بر این با گرفتن انگشت اتهام بسوی محترکان و تشکیل کمیته نظارت مسئله گرانی و تورم حل نخواهد شد. در رژیم گذشته نیز زمانی که در سال های دهه پنجاه که تورم به اوج خود رسید، رژیم سعی کرد با تشکیل سازمانی برای بازرسی و نظارت و کنترل قیمت‌ها تورم را کاهش دهد، موفق نشد که هیچ، اهل کسب و کارها را هم ناراضی و بسوی انقلاب سوق داد.

جنگ و تحریم های اقتصادی و سیاسی هم می توانند در افزایش قیمت‌ها نقشی داشته باشند؛ با این وصف اما نه به اندازه‌ای که اینک شاهد آن هستیم؛ بعضی از کارشناسان هم نقش جنگ و تحریم ها را غلوآمیز می دانند و برای نمونه از نرخ تک رقمی تورم روسیه و اسرائیل در دوران جنگ مثال می آورند.

در سیستم ملوک الطوایفی و فساد ساختاری موجود و تقسیم قدرت و ثروت که هیچ یک از باندهای شریک در قدرت حاضر نیستند حتی در هنگام جنگ از منافع خود کوتاه بیایند و قدرت فائده‌ای در میان آنان نیست که بتواند در چنین موقعیت هایی اعمال قدرت نماید با تشکیل کمیته نظارت مشکل تورم و گرانی حل نخواهد شد.

در مورد جنگ و صلح نیز می بینیم که منافع باندی مانع از تصمیم گیری جمعی می شود. تا آنجا که خود قالیباف که در دوره اول مذاکرات با امریکایی ها به ریاست هیئت مذاکرات کننده تعیین می شود پس از بازگشت از اسلام آباد با شکایت از اختلافات درون هیئت کنار گذاشته می شود و عراقچی جای وی را می



گیرد، اختلافات علنی می شود و هر جناحی سعی می کند خط و ربط خود را جاری کند. اکنون دو تا سه جریان در مورد جنگ و صلح مشغول منازعه با هم هستند.

یک جریان، طرفدار تداوم جنگ و نرفتن پای میز مذاکره هستند، یک جریان دیگر خواهان مذاکره و نرمش هستند و یک جریان نیز با شروطی از مذاکره حمایت می کنند. عده‌ای از جریان مخالف که تعلق خاطر به پایدارچی‌ها دارند، حتی علناً دولت و هیئت مذاکره کننده را تهدید می کنند. همه‌ی این اختلافات از چشم مردم و طرفهای مذاکره کننده پنهان نمی ماند و اعتبار هیئت مذاکره کننده را زیر سوال می برد و ادامه مذاکره و رسیدن به توافق را دشوار می کند.

پیداست که تا مذاکرات به نتیجه نرسد، با توجه به بحران اقتصادی و بحران‌های متعدد دیگر، وضعیت معیشتی مردم بدتر خواهد شد.

اختلافات بر سر منافع اقتصادی و سیاسی همواره در حکومت وجود داشته است. اما اختلافات کنونی در سطح رهبران جناح‌ها دیگر ماهیت ایدئولوژیک ندارد و منافع اقتصادی و سیاسی جای ایدئولوژی را گرفته است.

تا وقتی که علی‌خامنه‌ای زنده بود می توانست اختلافات را با توسل به شیوه‌های مختلف مدیریت کند و نقش فصل‌الخطاب خود را حفظ نماید. اما بعد از ترور خامنه‌ای و تحمیل مجتبی‌خامنه‌ای او در واقع نه تنها نتوانسته و نمی تواند نقش خامنه‌ای پدر را ایفا کند، بلکه انتصاب زورمندانه وی توسط سرداران سپاه به اختلافات دامن زده و کم نیستند که از بیخ و بن حاضر به پذیرش دواطلبانه وی در نقش رهبر نیستند.

قالیب در صحبت‌های دیروز خود در مورد مذاکرات هم صحبت کرد و خطاب به مخالفان مذاکره گفت، مذاکره به معنی سازش نیست، بلکه خیال‌آنان را نیز راحت کند، اما بعید است این صحبت نقشی در تغییر موضع آنان داشته باشد. جناح جنگ طلب در مورد مذاکرات موضعی کم و بیش شبیه ناتانیاهو و جریان سلطنت طلب دارد و خواهان ادامه جنگ است.

صحبت‌های دیروز قالیباف درست بعد از به تعویق انداختن حمله آمریکا و سفر میانجی‌های پاکستانی به ایران می تواند تلاشی تلقی گردد برای بازگشت وی به رهبری هیئت مذاکره کننده. با تمام بدبینی‌هایی که در مورد شکست مذاکرات به چشم می آید، اما سخنان رئیس‌جمهور چین مبنی بر بر خاتمه جنگ پس از مذاکره با ترامپ و پوتین، و همچنین موقعیت نامناسب ترامپ در داخل و خارج آمریکا هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی و بحرانی که بسته شدن تنگه هرمز در دنیا ایجاد کرده، امید به نوعی سازش از طریق مذاکره را بیشتر می کند.

بهر حال ادامه جنگ طولانی به سود هیچ کس غیر از جنگ طلبان اسرائیلی و ایرانی نیست. ایران در جنگ ۴۰ روزه موقعیتی هر چند به قیمتی گزاف را بدست آورده که می تواند در مذاکرات به بخشی از خواسته‌های خود دست یابد. این فرصت معلوم نیست با شکست مذاکرات هم حفظ شود. ترامپ نیز در موقعیتی نیست که بتواند روی همه‌ی شروط خود به ایستد. ایران در موقعیت تولید سلاح هسته‌ای نیست و ریسک این کار را بعید است بپذیرد. خواست اصلی آمریکا نیز ظاهراً دادن تعهد در این زمینه است و بقیه



درخواست‌هایی که دارد از آن اسرائیل است. بهر حال صلح به نفع همه به غیر از اسرائیل و بیشتر از همه به نفع مردم ایران و نیروهای آزادیخواه مدافع عدالت اجتماعی و به ضرر نیروهای استبدادی است که به بهانه جنگ هر روز عده‌ای از جوانان مبارز کشور را با بهانه‌های ساختگی اعدام و عده بیشتری را زندانی و سرکوب می‌کنند. کشور ما ظرفیت تداوم این جنگ تجاوزگرانه را برای مدتی طولانی ندارد. اکثریت مردم نیز تمایلی به ادامه جنگی که وضعشان را روز به روز بدتر می‌کند ندارند. هیچ تغییری و تحولی در کشور تا زمانی که جنگ وجود دارد متصور نیست.

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم! متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

فقر و نابرابری - بخش پنجم

Vision IAS، "برگرفته از "خدمات اداری هند



فقر مفرط در هند در حال یک دهه از 27 درصد به 6 درصد تقلیل یافت

1.4 علل فقر

فقر در هند را میتوان از ابعاد مختلفی از جمله تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ریشه‌یابی و درک کرد. قاعدتاً این ابعاد در دیگر کشورها نیز، اما در قالب عوامل متفاوتی، عمل می‌کنند.

دلایل تاریخی

• حکومت استعماری و استثمارگر بریتانیا صنایع محلی را نابود کرد، یعنی موجب صنعت زدایی شد و هند را به صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای ساخته شده تبدیل کرد؛

• نابودی صنایع دستی روستایی و شهری و صنایع کوچک؛

• خروج و انتقال ثروت توسط حکومت استعماری؛

جنگ کارگری

گروه کارگرگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:375

شماره ۳۷۵

جمعه ۱ خرداد ۱۴۰۵، برابر ۲۲ مه ۲۰۲۶

اجرای ناموفق اصلاحات ارضی در هند پس از استقلال.

دلایل اقتصادی

نابرابری درآمد و توزیع ناعادلانه ثروت؛

رواج مشاغل کم درآمد در بخش غیررسمی اقتصاد؛

پایینتر بودن نسبی نرخ رشد درآمد در مقایسه با تورم؛

کمبود سرمایه و مهارت که به چرخه معیوب فقر منجر میشود؛

وابستگی به کشاورزی و منابع طبیعی برای تأمین معاش، که باعث آسیب پذیری در برابر

تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست میشود؛

رکودها و بحرانهای اقتصادی که به از دست رفتن شغلها و کاهش درآمد منجر میشوند.

دلایل اجتماعی

سطح بالای بیسوادی و دسترسی محدود به آموزش باکیفیت؛

طردهای اجتماعی، از جمله نظام کاستی و شکاف جنسیتی؛

کمبود فرصتهای شغلی و آموزشهای فنی و حرفه ای برای گروههای اجتماعی - اقتصادی متعلق به لایه های پایین جامعه.

دلایل سیاسی

رواج فساد؛

نبود پاسخگویی و شفافیت در حکمرانی؛

ارائه ناکافی خدمات و منابع اساسی به جماعات حاشیه نشین و محروم.

شاخص ملی فقر چندبعدی در هند

این شاخص توسط مؤسسه ملی برای تحول هند (National Institution for Transforming India) منتشر میشود؛

این شاخص، فقرا و غیرفقرا را بر اساس روش شمارش "دو آستانه" * شناسایی میکند؛



این شاخص از روش شناسی "آلکایر-فوستر (Sabina Alkire & James Foster)" استفاده میکند. بر اساس این روش، اگر درجه محرومیت یک فرد برابر یا بیشتر از خط فقر ملی چندبُعدی در هند، یعنی $۳۳/۳۳$ درصد باشد، آن فرد فقیر چندبُعدی محسوب میشود. این روش هم گستره (شیوع) و هم عمق (شدت) فقر را نشان میدهد.

ابعاد و شاخصها

در این روش ۳ بُعد - سلامت، آموزش و استاندارد زندگی - و ۱۲ شاخص شناسائی میشوند. این ۱۲ شاخص شامل ۱۰ شاخص اصلی مدل جهانی فقر چندبُعدی، به علاوه دو شاخص جدید یعنی سلامت مادران و داشتن حساب بانکی است (سه بعد و ده شاخص اصلی مدل جهانی فقر چندبُعدی در بخش چهارم این مقاله معرفی شده اند).

یافته های گزارش پیشرفت ۲۰۲۳

هند کاهش چشمگیری در نسبت جمعیت فقیر تجربه کرده است: این نسبت از $۲۹/۱۷\%$ در سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۴ به $۱۱/۲۸\%$ در سالهای ۲۰۲۲-۲۰۲۳ کاهش یافته است.

* روش شمارش "دو آستانه"، چنان که از نام آن پیداست، دارای دو آستانه یا معیار سنجش است: آستانه اول، آستانه محرومیت در هر بُعد است. برای هر بعد (مثل تحصیلات، سلامت، درآمد) یک حد تعریف میشود. اگر فرد/خانوار زیر این حد باشد، در آن بعد محروم محسوب می شود. مثلاً اگر هیچ عضوی از خانوار تحصیلات ابتدایی نداشته باشد، آن خانوار محروم از تحصیلات محسوب می شود.

آستانه دوم، آستانه فقر چندبُعدی است. پس از محاسبه تعداد محرومیتها (در مثال بالا، محرومیت از تحصیلات)، یک حد دوم تعریف میشود. اگر فرد در تعداد معینی از ابعاد محروم باشد، فقیر چندبُعدی محسوب میشود

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات تشکیل دهیم!



هزینه جنگ و تورم را چرا باید فقط کارگران و تهی‌دستان بپردازند؟

ع امید



بعد از اعلام آتش بس اعتراضات کارگری که در اثر جنگ فروکش کرده بود از سر گرفته شده و بر زمینه نارضایتی گسترده کارگران از رفتار زورگویانه و ستمگرانه دولتمردان و کارفرمایان و افزایش فشار فزاینده معیشتی و گرانی این اعتراضات به رغم همه‌ی تهدیدات و سرکوبها در حال افزایش اند.

در طول همین هفته گزارشات سانسور شده‌ای از برخی از اعتراضات در رسانه‌ها منتشر شد که خود از گسترش آنها حکایت دارد. در جریان جنگ چهل روزه حکومتی‌ها و کارفرمایانی که آنها نیز بخشی از حکومت هستند، تعرض وسیعی را علیه حقوق کارگران شروع کردند که متفاوت با تعرضات گذشته است.

آنها این بار چون از حقوق قانونی چیزی باقی نگذاشته بودند، به ته مانده حقوق مکتسبه کارگران برای حذف آنها گیر دادند و با استفاده از فضای جنگی و امنیتی حاکم بر کشور و نبود تشکلهای مستقل کارگری زمینه را برای کاهش دستمزدها و حقوق‌های بازنشستگی فراهم و عملیاتی کردن آنها شروع کردند. قطع مزایایی مانند حق اضافه کاری، امتناع از افزایش دستمزد و حق مسکن، رد نکردن حق بیمه و گرفتن تعهد اجباری از کارگر که بگوید خودش بیمه نمی‌خواهند، تغییر قراردادهای، اخراج گسترده کارگران سابقه دار بخشی از تعرض در دوره جنگ چهل روزه هستند.

همین موارد که برشمرده شد، از دلایل اعتراضات در دوره آتش بس هستند. که دولت و کارفرمایان دست بدست هم تلاش دارند آنها را در شرکتها و موسسات تولیدی و خدماتی پیش ببرند و برای عملی کردنشان از اهرامهایی مانند، اخراج، ندادن دستمزدها و موج تازه بیکاری‌ها بهره می‌گیرند. با این همه اما کارگران نیز بیکار ننشسته اند و تلاش می‌کنند با اعتراض این یگانه وسیله‌ای که در اختیار دارند، نسبت به این اعمال ددمنشانه از خود دفاع کنند.

عده‌ای با گفتن این که شرایط جنگی است سعی می‌کنند این اعمال را توجیه نموده و اعتراضات را با این بهانه تخطئه کنند. اما تجربه ده‌ها سال گذشته به ما نشان داده‌اند که بی حقوق سازی و ارزان سازی نیروی کار همواره یک سیاست پایه‌ای حکومت بوده است که در زمان‌های غیر جنگی حتی در دوره سرازیر شدن



پولهای نفت در زمان دولت احمدی نژاد و همه ی دولتهای بعدی پیش برده شده و یکی از موارد محدودی است که بین جناح های حکومتی در مورد آن همیشه توافق وجود داشته است.

حکومت از یک سو ماهیت مواد حمایتی در قوانین کار و تامین اجتماعی را به زیان حقوق کارگران دگرگون کرده است و دستگاه های حکومتی مانند وزارت کار و تامین اجتماعی عملا در خدمت پیشبرد خواسته ها و سیاستهای ضد کارگری حکومت و کارفرمایان قرار گرفته اند، از سوی دیگر با جلوگیری از تشکیل تشکلهای مستقل کارگری و کارمندی مانع بر سر راه اعتراضات سازمان یافته ایجاد نموده است و هر وقت هم که نتوانسته مانع از گسترش اعتراضات شود، نیروی سرکوب را وارد عمل کرده است.

فشار معیشتی، تورم و گرانی و سقوط مداوم ارزش دستمزدها که در برخی رسانه ها گاهی به آنها پرداخته می شود، از افزایش فقر و فلاکت و پیامدهای منفی آن حکایت می کنند، با این اوصاف دولت و کارفرمایان بی توجه به این هشدارها دستمزد های کارگران را کاهش می دهند و قیمت کالاهای تولیدی و خدماتی را به بهانه وضعیت جنگی افزایش می دهند. تو گویی جنگ هزینه کارگران را افزایش نداده است و تنها باعث بالا رفتن هزینه تولید و حکومت شده است. همان کارفرمایی که قیمت تولیدات خود را مرتب افزایش می دهد، دستمزد و حقوق کارگر خود را کاهش می دهد! به رشد قیمت کالاها که نگاه می کنیم می بینیم همه چیز از شیر و تخم مرغ گرفته تا خودرو، مسکن دارو، برنج، مرغ، نان، روغن، گوشت بعضا تا ۲۰۰ درصد در دوره جنگ افزایش داشته اند، اما حقوق کارگران و کارمندان و بازنشستگان نسبت به سال گذشته کاهش داده شده.

خط میانگین فلاکت به بیش از ۶ درصد و در برخی استانها به ۷ درصد رسیده است ، روزنامه ای از ناتوانی مردم در خرید میوه و افزایش سوتغذیه روی کودکان و آثار زیانبار آن هشدار می دهد، دیروز خودروی یکی از اعضای شورای شهر زنجان از روی پای یکی از کارگران که در اعتراض به حذف مزایای مزدی و افزایش ندادن دستمزد تجمع کرده بودند گذشت و کارگر را مجروح کرد و هیچ برخوردی هم با او نشد، خبرگزاری ایلنا روز چهارشنبه نوشت "اعتراضهای همزمان کارگران در ماهشهر و زنجان در حالی انجام شد که گزارشها از افزایش کسر حقوق، اخراج نیروها و تشدید مشکلات معیشتی در واحدهای کارگری حکایت دارند. همین خبرگزاری از کشته شدن ۲ کارگر در تبریز و مصدومیت ۱۹ تن دیگر به دلیل برداشتن گواهینامه ایمنی برای شرکت پیمانکار خبر داد. انجمن صنفی مخابرات استان تهران، در نامه ای خطاب به مدیرعامل شرکت مخابرات ایران، درخواست پرداخت مابه التفاوت رفاهیات را مطرح کرد، بیش از هفت هزار نفر از مستمری بگيران صندوق بازنشستگی کشوری در نامه ای سرگشاده که به امضا در پلتفرم کارزار رسیده است، خواستار شفاف سازی وضعیت صندوق بازنشستگی کشوری، شرکت های تابعه، قراردادهای بیمه تکمیلی و دیگر معضلات مدیریتی این شرکت و شائبه های پیش آمده در رابطه با این صندوق شدند. بازنشستگان تامین اجتماعی در شهر شوش با برگزاری تجمع اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. سندیکای کارگران واحد با انتشار بیانیه ای نسبت به محدودیتهای که برایشان بوجود آمده اعتراض کردند. اینها تنها بخشی از اعتراضات منتشر شده در رسانه ها هستند.

متاسفانه باید گفت که حکومت و کارفرمایان در نظر دارند ابتدا این تغییرات را عرف و سپس رسماً قانونی کنند و مادامی که طبقه کارگر فاقد تشکل مستقل است و اعتراضات پراکنده هستند موفق هم خواهند شد.



با تغییر و تحول در درون حکومت نیزهیچ چیز به نفع حقوق کارگر تغییر نخواهد کرد. برای پایان دادن به این دور باطل چند ده ساله راهی غیر از متشکل شدن در سطح وسیع و متحد شدن با جریانات و جنبش های دمکراتیک و مترقی عدالت خواه و صلح دوست وجود ندارد. جنگ و استبداد دو دشمن اصلی آزادی و عدالت اجتماعی هستند که باید با هردو مبارزه کرد. این واقعیتی است که ما در هر دو جنگ اخیر و همچنین جنگ ۸ ساله آن را با گوشت و پوست خود لمس کردیم

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می کنیم!

زنان سرپرست خانوار

بهروز فدایی



بخش پایانی

بررسی موانع قانونی اشتغال زنان سرپرست خانوار

بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار، فقط مسئله «فرهنگ مردسالار» نیست؛ بخش مهمی از نابرابری از ساختار حقوقی، سیاست گذاری بازار کار، نظام تأمین اجتماعی و شیوه اجرای قانون ناشی می شود. در بسیاری از کشورها از جمله ایران حتی وقتی قانون به ظاهر «بی طرف» است، در عمل بر پایه الگوی «مرد نان آور زن وابسته» طراحی شده و همین موضوع زنان سرپرست خانوار را در موقعیت نابرابر قرار می دهد



می‌توان موانع را در ۵ سطح اصلی بررسی کرد

۱. موانع حقوقی مستقیم در اشتغال زنان

الف) اختیار شوهر در منع اشتغال زن

در حقوق ایران، شوهر می‌تواند در برخی شرایط مانع اشتغال همسر شود اگر آن شغل را «منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت» بداند.

این ماده یکی از مهم‌ترین ابزارهای محدودکننده اشتغال زنان است، چون

تعریف «مصالح خانوادگی» مبهم است

تفسیر آن غالباً مردمحور است

امنیت شغلی زنان متأهل را کاهش می‌دهد

کارفرماها را نسبت به استخدام زنان محتاط می‌کند

چه تغییری لازم است؟

حذف حق منع اشتغال

یا محدود کردن آن فقط به موارد استثنایی و با حکم تخصصی دادگاه

اصل حقوقی باید این باشد: «اشتغال حق فردی هر انسان بالغ است»

ب) نابرابری در ریاست خانواده

در نظام حقوقی فعلی، مرد «رئیس خانواده» محسوب می‌شود.

این اصل فقط نمادین نیست؛ آثار اقتصادی دارد

اولویت تصمیم‌گیری اقتصادی با مرد

دسترسی زنان به منابع کمتر می‌شود

در بسیاری از نهادها مرد به‌عنوان تصمیم‌گیر اصلی شناخته می‌شود

اصلاح لازم

جایگزینی مفهوم «مدیریت مشترک خانواده»

شناسایی برابر زن و مرد در تصمیمات اقتصادی، بانکی، شغلی و اقامتی



ج) محدودیت‌های مرتبط با سفر و جابجایی

همچنین زنان میبایست برای دریافت گذرنامه یا خروج از کشور وابسته به اجازه همسر هستند این موضوع مستقیماً بر فرصت‌های شغلی بین‌المللی مأموریت کاری مهاجرت شغلی شرکت در کنفرانس‌ها اثر می‌گذارد. اصلاح لازم استقلال کامل زنان بالغ در امور سفر و اقامت

۲. تبعیض ساختاری در بازار کار

حتی اگر قانون مستقیماً تبعیض‌آمیز نباشد، ساختار استخدام علیه زنان عمل می‌کند

الف) استخدام مبتنی بر کلیشه جنسیتی

کارفرماها اغلب فرض می‌کنند

زنان مرخصی زایمان می‌گیرند

مسئول مراقبت از کودک‌اند

ثبات شغلی کمتری دارند

در نتیجه

استخدام کمتر

ارتقای کمتر

حذف از مدیریت

اصلاح حقوقی لازم

قانون باید تبعیض جنسیتی در استخدام را صریحاً ممنوع کند، مثل

ممنوعیت پرسش درباره ازدواج و بارداری

ممنوعیت درج جنسیت در آگهی استخدام مگر در مشاغل خاص

امکان شکایت مؤثر از تبعیض شغلی

ب) نبود قانون «دستمزد برابر برای کار برابر»

در بسیاری از کشورها این اصل شفاف و قابل پیگیری است، اما در ایران سازوکار اجرایی قوی ندارد

اصلاح لازم



ایجاد قانون مستقل برای

شفافیت حقوق

گزارش شکاف دستمزدی

جریمه کارفرمای متخلف

حق شکایت جمعی زنان

ج) تبعیض در ارتقای شغلی

بسیاری از زنان به «سقف شیشه‌ای» برخورد می‌کنند

مدیر نمی‌شوند

در سطوح تصمیم‌گیری حضور ندارند

به مشاغل پشتیبانی محدود می‌شوند

راهکار قانونی

سه‌میه جنسیتی موقت در مدیریت

الزام گزارش تنوع جنسیتی در سازمان‌ها

ارزیابی ارتقا بر اساس شاخص‌های شفاف

۳. ضعف حمایت اجتماعی از زنان سرپرست خانوار

یکی از بزرگ‌ترین موانع اشتغال زنان سرپرست خانوار این است که هم‌زمان:

نان‌آورند

مراقب کودک‌اند

مسئول سالمند یا بیمار خانواده‌اند

درحالی‌که نظام رفاه اجتماعی بر این فرض بنا شده که «زن تحت حمایت مرد است.»

اصلاحات ضروری

الف) خدمات مراقبت عمومی



بدون مهدکودک ارزان و در دسترس، برابری شغلی تقریباً ناممکن است

دولت باید

مهدکودک عمومی ایجاد کند

مراقبت روزانه کودک را یارانه دهد

مراقبت سالمندان را توسعه دهد

ب) بیمه و بازنشستگی مستقل

بسیاری از زنان شاغل غیررسمی

بیمه ندارند

سابقه بازنشستگی ندارند

در سالمندی فقیر می‌شوند

اصلاح لازم

بیمه پایه همگانی

پوشش زنان شاغل غیررسمی

حمایت ویژه از زنان سرپرست خانوار

۴. موانع قضایی و اجرایی

حتی قوانین خوب هم بدون اجرای مؤثر بی‌اثر می‌شوند.

مشکلات رایج

روند دشوار شکایت

هزینه دادرسی

نبود نهاد تخصصی تبعیض شغلی

قضاوت‌های جنسیت‌زده

اصلاح لازم



ایجاد

دادگاه تخصصی تبعیض شغلی

نهاد مستقل برابری جنسیتی

سیستم گزارش محرمانه تبعیض

حمایت از افشاگران

۵. اقتصاد غیررسمی و آسیب‌پذیری زنان

بخش بزرگی از زنان سرپرست خانوار وارد

کار خانگی

دستفروشی

مشاغل بدون قرارداد

کار پلتفرمی بی‌حمایت می‌شوند.

مشکل چیست؟

قانون کار عملاً از آنها حمایت نمی‌کند

اصلاح ضروری

شناسایی حقوقی کار پلتفرمی

بیمه زنان شاغل خانگی

حمایت از تعاونی‌های زنان

دسترسی به وام بدون ضامن مرد

آیا فقط تغییر قانون کافی است؟

خیر، اما بدون تغییر قانون هم تحول پایدار رخ نمی‌دهد

فرهنگ مردسالار معمولاً از سه جا بازتولید می‌شود

1. قانون



۲. اقتصاد

۳. آموزش و رسانه

وقتی قانون زن را «وابسته» تعریف کند، بازار کار هم همان نگاه را بازتولید می‌کند.

بنابراین تغییر واقعی نیازمند سه مسیر هم‌زمان است

اصلاح قانون

اصلاح ساختار اقتصادی

تغییر بازنمایی اجتماعی زنان

مهم‌ترین نکته

برابری واقعی فقط به معنی «اجازه کار» نیست.

برابری یعنی

امکان دسترسی برابر به فرصت

امنیت شغلی برابر

دستمزد برابر

امکان ارتقای برابر

و تقسیم عادلانه بار مراقبت خانوادگی

تا زمانی که زنان هم‌زمان مسئول اصلی خانه و محروم از قدرت اقتصادی باشند، حتی قوانین ظاهراً برابر هم

در عمل نابرابر عمل خواهند کرد

بهبود فدائی -

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده و گسترده باد اتحاد و همبستگی کارگران!



برقراری روابط گرگ و میش در بازار کار ایران

صادق



یکی از اعضای شوراهای اسلامی روز ۲۱ اردیبهشت نسبت به بیمه نکردن "داوطلبانه" کارگران که گویا اخیرا باب شده هشدار داد و گفت، بیمه کردن کارگران اجباری است و اینکه گفته شود کارگر به میل خود نخواسته است بیمه نشود از نظر قانون اعتبار ندارد.

اصل ماجرا از این قرار است که اخیرا تعدادی از کارفرمایان از بیمه کردن کارگران خود طفره می روند و ادعا می کنند که حق بیمه کارگر را مستقیما بجای پرداخت به تامین اجتماعی به کارگر می دهند و رضایت نامه کتبی در این مورد با امضای کارگر ارائه می دهند.

این ادعا را کمتر کسی می تواند بپذیرد که کارگر با میل و رضایت از بیمه کردن خودش صرفنظر کند و قید پوشش درمان و دارو، بازنشستگی، بیمه حوادث و حقوق بیکاری را بزند. اما از آن عجیبترا ادعای کارفرماست که گفته است حق بیمه کارگر را مستقیما بخود کارگر پرداخت می کند. در این صورت کارفرما باید عقل اش را از دست داده باشد، که همه ی تبعات پرداخت نکردن حق بیمه را پذیرفت باشد که سرخود و از فراز سر قوانین و تامین اجتماعی دست به چنین کاری زده باشد.

۲۱ درصد از حق بیمه کارگر توسط کارفرما باید پرداخت شود و بقیه توسط کارگر و دولت. اما سالهاست که دولتها نه تنها سهم خود از بابت بیمه کارگر را نمی دهند، بلکه به لخت ردن تامین اجتماعی مشغولند. هم اکنون میزان بدهی دولت به صندوق تامین اجتماعی به هزار ۱۰۰۰ میلیارد شده است و دولت بجای پرداخت بدهی خود مرتب هر وقت نیاز به پول دارد به صندوق در حال افلاس دستبرد می زند و برای جبران بدهی های نجومی خود مرتب از کیفیت و کمیت خدمات تامین اجتماعی می کاهد، از افزایش حقوق بازنشستگی طفره می رود، سهم کارگر از درمان و دارو را افزایش می دهد و بخشی از خدمات بیمارستانی را تحت عنوان بیمه تکمیلی خصوصی کرده است.

کارفرمایان نیز با تاسی به برخورد غارتگرانه دولت سعی می کنند تا جایی که مقدور است از بیمه کردن کارگران طفره برونند و حق بیمه پرداختی خود را با ترفند هایی مانند محاسبه حق بیمه بر اساس دستمزد حداقل کاهش دهند. نتیجه برخورد دولت و کارفرمایان این شده که کارگران هنگام بازنشستگی ۳۰ تا ۴۰ درصد کمتر از حق قانونی خود حقوق بازنشستگی بگیرند و در صورت از کار افتادگی میزان مقرری دریافتی شان به ۱۰ میلیون در شرایطی که هزینه حداقل زندگی بقول خودشان به ۷۱ میلیون تومان رسیده کاهش



یابد. صندوق تامین اجتماعی در اثر این اقدامات بسوی نابودی سوق پیدا کرده و عنقریب است که سقوط کند.

حال باید از این گروه از کارفرمایان که ادعای پرداخت حق بیمه بخود کارگران را دارند پرسید اگر ریگی در کفش تان ندارید چرا حق بیمه را به حساب تامین اجتماعی واریز نمی کنید؟ این کار شما از دو حال خارج نیست یا با زور چنین تعهدی از کارگر گرفته‌اید، یا برای اینکه افزایش دستمزد سال جدید را چون نمی‌خواهید به کارگران خود پرداخت نمایند سهم بیمه خود را که معادل یک سوم مبلغ افزایش دستمزد است بجای افزایش دستمزد قانونی به کارگر می‌دهند تا سابقه کارگر را هم از بین ببرند.

اما برخورد این "نماینده" نیز کمتر از کارفرمایان عجیب نیست، او بجای گرفتن یقه کارفرما نگران آن است که تامین اجتماعی در آینده سراغ کارفرما برود تا او را مجبور به پرداخت حق بیمه اش بنماید و ایلنا به نقل از وی نوشت: :نویسد:

" وی با اشاره به محتوای ماده مربوط به ادعای سابقه کار در قانون کار ایران (ماده ۱۴۸) تشریح کرد: طبق ماده‌ی کشف سوابق گمشده و ادعای سابقه کار یعنی ماده ۱۴۸ قانون کار، کارفرما مکلف است کارگر خود را بیمه کند؛ حتی اگر کارگر کتباً رضایت دهد که بیمه نمی‌خواهد، این توافق از نظر قانونی باطل است. کارگر می‌تواند حتی پس از ۱۰ سال با ارائه مدارک مثل فیش حقوقی پرینت بانکی یا شهادت شهود به اداره کار شکایت کند. در واقع کارفرما در این میان متضرر خواهد شد چون هم حق بیمه را باید به نرخ روز پرداخت کند و هم قبلاً مبلغ حق بیمه را هر ماه روی حقوق به کارگر پرداخت کرده است. این آقای به اصطلاح نماینده بجای اینکه موضوع را پیگیری نموده و برای احقاق حق اقدام کند به نصیحت کارفرما اکتفا میکند و ادعایی میکند که فاقد اساس است. ایشان می‌دانند ده‌ها هزار پرونده در ادارات کار و تامین اجتماعی وجود دارد که نشان می‌دهند کارفرمایانی هستند که سالها سهم بیمه کارگر را از حقوق شان کسر کرده‌اند اما نه سهم کارگر و نه سهم خودشان را به بیمه پرداخت نکرده‌اند و کارگر هنگام بازنشستگی متوجه این کلاهبرداری شده است. ایشان اگر فقط یک مورد از احقاق حق آنها دارد مرقوم بفرمایند تا صحت ادعای ایشان را تأیید کند.

اساساً وجود چنین پدیده‌ای خود گواه همدستی وزارت کار با صاحبان قدرت است. اگر نه چطور می‌شود از این خبرها اطلاع داشته باشد اما واکنش نشان ندهد؟ روابط کارگری کارفرمایی در ایران امروز واقعا روابط گرسنه و میش شده است و دیر نیست که کار آن به شورش و قیام منجر شود.



جنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:375

شماره ۳۷۵

جمعه ۱ خرداد ۱۴۰۵، برابر ۲۲ مه ۲۰۲۶

یورش مأموران امنیتی به منزل محمود بهشتی؛ احضار به دفتر پیگیری لنگرود

صبح امروز مأموران امنیتی وابسته به اطلاعات سپاه با حضور در منزل محمود بهشتی، ضمن تفتیش محل و ضبط برخی وسایل ارتباطی و شخصی، از وی خواستند برای ارائه توضیحات خود را به دفتر پیگیری در لنگرود معرفی کند.

محمود بهشتی از فعالان شناخته شده صنفی و عضو هیأت مدیره کانون صنفی معلمان تهران و همچنین عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران است.

در پی این اقدام، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار موضعی، تداوم بازداشتها و برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی را محکوم کرد و بر حق قانونی فرهنگیان و فعالان صنفی برای پیگیری مطالبات خود تأکید ورزید.

این شورا همچنین خواستار پایان دادن به برخوردهای امنیتی با کنشگران صنفی و احترام به حقوق شهروندی و فعالیت‌های مدنی شد.



تداوم اعتراضات خیابانی و هفتگی بازنشستگان در شوش و هفت تپه

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش یکشنبه ۳ خرداد ۱۴۰۵

اعتراض ما وضعیت بد معیشتی، به فقر و فلاکت، به تورم و گرانی، اعتراض به دستمزدهای ناچیز و نامناسب، اعتراض به فساد، چپاول، دزدی و غارت، اعتراض به تبعیض، ستم و استثمار، اعتراض به نبود امکانات پزشکی، درمانی و خدمات اجتماعی و رفاهی.

اعتراض ما به نا امنی شغلی، بیکاری، اجاره مسکن های سر به فلک کشیده، فضای جنگی، هزینه های افسار گسیخته، اعتراض ما به فساد، اعتراض ما به بی عدالتی و نابرابری هاست.

نابود باد بندگی، زنده باد زندگی



جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:375

شماره ۳۷۵

جمعه ۱ خرداد ۱۴۰۵، برابر ۲۲ مه ۲۰۲۶

یاد عزیز پرویز قلیچ‌خانی گرامی باد

پیام تسلیت سندیکای واحد بمناسبت درگذشت پرویز قلیچ‌خانی

بدین‌وسیله صمیمانه مراتب تسلیت سندیکا را به خانواده، یاران و دوستداران پرویز قلیچ‌خانی گرامی ابراز داشته و خود را در غم درگذشت این انسان شریف و آزاده شریک می‌دانیم.

پرویز قلیچ‌خانی برای ما کارگران فقط محبوبترین کاپیتان تیم ملی نبود. پرویز از طبقه ما بود؛ در همان محلاتی بزرگ شد و رفت‌وآمد کرد که بسیاری از ما و پدران و مادرانمان پیش از ما در آنها زندگی کرده بودند.

پرویز قلیچ‌خانی در تمامی سالیان زندگی پرافتخار خود، و تا واپسین لحظاتی که جسم و روحش یاری می‌کرد، از حمایت از کارگران ایران، تشکلهای مستقل کارگری، از جمله سندیکای ما، و تلاش برای آزادی اعضای زندانی سندیکا و حمایت از کلیه زندانیان، دریغ نوزید.

پرویز قلیچ‌خانی انسانی شریف، دلسوز، مهربان و مبارزی علیه استبداد، فقر، ستم و استثمار بود. او چنان متین و فروتن بود که باور نمی‌کردی یکی از پرافتخارترین فوتبالیست‌های تاریخ کشورمان، این‌گونه بی‌ادعا، بدون هیچ‌گونه تلاش برای اعمال نفوذ یا بزرگ‌نمایی، حامی همه‌جانبه کارگران و مبارزه طبقاتی باشد.

متأسفانه شرایط ماه‌های اخیر و محدودیت دسترسی ما به اینترنت، این امکان را از ما گرفته بود که در جریان وضعیت سلامتی ایشان باشیم و از این بابت عمیقاً متأسفیم.

بدین‌وسیله صمیمانه مراتب تسلیت سندیکا را به خانواده، یاران و دوستداران پرویز قلیچ‌خانی گرامی ابراز داشته و خود را در غم درگذشت این انسان شریف و آزاده شریک می‌دانیم.

سندیکا همچنین صمیمانه به خانم نجمه موسوی‌پیمیری، یار و همراه پرویز قلیچ‌خانی، تسلیت گفته و تلاش‌های بی‌وقفه ایشان را ارج می‌نهد.

یاد عزیز پرویز قلیچ‌خانی گرامی، و راهش پررهرو باد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

خرداد ۱۴۰۵ ۳



فراخوان سندیکاهای فرانسوی به گردهمایی در حمایت از کارگران و مردم ایران

سازمان‌های سندیکایی فرانسوی CFDT، CGT، UNSA، Solidaires و FSU، هم چنین:

جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:375

شماره ۳۷۵

جمعه ۱ خرداد ۱۴۰۵، برابر ۲۲ مه ۲۰۲۶

- سازمان‌های سندیکایی از چندین کشور دیگر،
 - «کمیته هماهنگی» که توسط گروه‌های ایرانی در خارج از ایران تشکیل شده است،
 - برای برگزاری یک گردهمایی در روز ۵ ژوئن در ژنو در مقابل مقر سازمان ملل متحد، که کنفرانس سالانه سازمان بین‌المللی کار (ILO) در آن جا برگزار می‌شود، فراخوان می‌دهند.
- اهداف ما از برگزاری این گردهمایی عبارتند از :
- محکوم کردن حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس ؛
 - تأکید مجدد بر اعلان همبستگی خود با کارگران ایران و با همه کسانی که مورد استثمار و ستم قرار گرفته‌اند، علیه سرکوب رژیم مبارزه می‌کنند و خشونت جنگ را متحمل می‌شوند.
- این گردهمایی خواستار:

پایان فوری جنگ در منطقه؛

- آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و زندانیان عقیدتی؛
 - توقف فوری بازداشت‌ها، شکنجه و اعدام‌ها؛
 - برقراری فوری اینترنت؛
 - حق داشتن تشکلهای مستقل از قدرت دولتی؛
 - حق اعتصاب و تظاهرات، امنیت شغلی، و اجرای استانداردهای بهداشتی و ایمنی در محیط کار؛
 - شرایط زندگی‌ای که امکان زندگی شرافتمندانه را فراهم کند؛
 - دستمزدهایی متناسب با هزینه‌های زندگی .
- جمعه، ۵ ژوئن ۲۰۲۶ ساعت ۱۲ تا ۱۵ میدان ملل، ژنو
- ما همه کسانی را که از حقوق کارگران، آزادی‌های مدنی و صلح حمایت می‌کنند، صمیمانه فرا می‌خوانیم که در این گردهمایی شرکت کنند.



بی‌نتیجه ماندن جلسه شورای تامین / ۸ کارگر «پایانه‌ها و مخازن ماهشهر» پشت در ماندند

جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:375

شماره ۳۷۵

جمعه ۱ خرداد ۱۴۰۵، برابر ۲۲ مه ۲۰۲۶

کارگران بیکار شده شرکت پایانه‌ها و مخازن ماهشهر، از بی‌نتیجه ماندن جلسه بررسی مشکلات خود در فرمانداری شهرستان ماهشهر خبر دادند.

کارگران بیکار شده شرکت پایانه‌ها و مخازن ماهشهر که از چهار روز پیش توسط کارفرمای شرکت پایانه و مخازن بیکار شده‌اند، در تماس با ایلنا، از بی‌نتیجه ماندن جلسه شورای تامین شهرستان برای بازگشت به کار، که دو روز پیش در محل فرمانداری شهرستان ماهشهر برگزار شده بود، خبر دادند.

این کارگران که هفته گذشته برای پیگیری وضعیت شغلی خود در محدوده محل کار خود اعتراض کرده بودند، گفتند: این ۸ کارگر در جریان شکایت ۴۸ نفر از همکاران قراردادی خود برای دریافت حقوق قانونی خود، تعلق از کار شده و حدود ۴ روز است اجازه ورود به محل کار خود را ندارند.

متحد و متشکل علیه سیاست‌های ریاضت‌کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>